

کاسترو می رود

کوبا راه بی بازگشت

خود را ادامه میدهد

امیرعلی لاهرودی

انسان در طول قرون و اعصار به دو قطب متضاد تقسیم شده است. در این تقسیم بندی اقلیت بر اکثریت برتری پیدا کرده است. این برتری از آنجا ممکن شده است که اقلیت به هر تقدیری تحت سلطه اکثریت برتر قرار گرفته است. جامعه بشری در روند رشد اجتماعی مراحل چندی را پشت سر هم طی نموده و به مرحله کنونی رسیده است. گرچه همه این مراحل اشکال گونا گونی را داشته، اما، ماهیت امر از محتوای آن فرق داشته و اکنون نیز فرق دارد.

در مرحله اول، برده جان می کند تا صاحبان برده در رفاه و سروری بسر برند. در مرحله دوم، برده، دهقان و صاحبان برده، بزرگ مالک نامیده شدند. دهقان شب روز روی زمین کار می کرد. مالک حاصل کار دهقان را از آن خود می ساخت. قرن ها گذشت. بازده کار دهقان پائین آمد. کشاورزی از دامداری، بالاخره، شهر نشینی از روستا نشینی جدا شد، تقسیم کار میان شهر و روستا، تکان بیشتری به رشد جامعه داد و مرحله سوم آغاز گردید، شهرها با سرعت گسترش یافت. مبادله کالا شکل طبیعی خود را از دست داد. فرمول پول کالا، جای آن را گرفت. دهقان وابسته به زمین، آزادی فردی بدست آورد. چند قرن است تک تک افراد جامعه از لحاظ حقوقی، مقام شهروندی را احراز نموده اند و از لحاظ تئوریک آزاد هستند. اما در عمل، به بردگانی شباهت دارند که به خاطر بدست آوردن لقمه نانی، نیروی کار خود را در بازار کار می فروشند و در ازاء آن پولی می گیرند تا زندگی خود و زن بچه خود، یعنی زحمتکشان آینده را تامین کنند.

در جوامع دو قطبی عهد جدید، کشورهای جهان نیز به قطب فقر و ثروت تقسیم شده اند. در کشورهای ثروتمند شهروندان آزاد، سهم بیشتری از در آمد ملی در یافت می کند و در کشورهای عقب مانده، شهروند آزاد، سهم کمتری از در آمد ملی بدست می آورند. در کشورهای عقب مانده کسانی که شانس پیدا کردن کار را از دست میدهند، استثمار آزادانه نصیب آنان می شود. در آنجا است که داد و ستد بردگان عصر کیهان نوردی شکل گسترده تری به خود میگیرد. کودکان و زنان به تن فروشانی مبدل میشوند و در بازار برده فروشان فروخته میشوند.

انقلاب، اعتراض میلیون ها انسان علیه سیستم نا عادلانه و غیر برابر اجتماعی است که شهروند آزاد را به کالا مبدل میکند. فقر و درماندگی را گسترش میدهد، نه تنها نیروی کار انسان، بلکه جسم و روان آن برای فروش در بازار عرضه می شود. از این طریق شأن انسان زیر پا می افتد، اخلاق و معنویات جای خود را به خشونت حیوانی میدهد، انسان خبیث همانند عقرب نیش به سنگ می زند. تا خبثات حیوانیش آرام گیرد.

حاصل این خبثات است که در ثروتمند ترین کشور سرمایه داری جهان (آمریکا) ۱۰ میلیون شهروند آزاد اما بیکار دارد، ۴۳٪ از ۲۹۰ میلیون شهروند آزاد، فاقد بیمه بهداشتی است، ۳۴/۶٪ شهروند آزاد، زیر خط فقر زندگی می کنند و ۴ میلیون نفر سقفی بالای سر خود ندارد.

ارقام دیگر:

۱- تولید ناخالص داخلی ۲۲ کشور عربی، کمتر از نیمی از تولید ناخالص اسپانیا است.

۲- ۴۰٪ اعراب بی سوادند. دو سوم آنان را زنان تشکیل میدهد.

۳- تا سال ۲۰۲۰ یکصد میلیون نفر در سرزمین های عربی وارد بازار کار می شوند. یعنی هر سال ۶ میلیون نفر بیکار.

۴- درآمد یک سوم مردم عرب، روزانه کمتر از دو دلار است. نقل از متن سخنرانی جارویز تانیر (jarvis Tuner) در مجمع اجتماعی جهان در بمبئی ۱۶- ۲۰ ژانویه ۲۰۰۴ میلادی.

مردمانی در آتش فقر و بدبختی می سوزند که ۶۰٪ منابع شناخته شده نفت و ۳۵٪ گاز جهان در کشور آنها است.

۲۱۰ میلیون بشکه نفت خاورمیانه به آمریکا صادر می شود و بانک جهانی اعتراف می کند که دستیابی به هدف نصف کردن تعداد افرادی که در فقر مطلق به سر می برند تا سال ۲۰۱۵ عملی نیست. بیش از یک میلیارد و یک صد میلیون انسان هنوز با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند، جامعه توسط سرمایه داری لیبرال در حال انهدام است. (آمار بر گرفته از لوموند دیپلوماتیک صفا اول ژوئیه ۲۰۰۴ است)

اسپارتاکوس قبل از میلاد مسیح علیه برده داری قیام کرد. جولیس سزار امپراطور روم این قیام را قلع قمع کرد و بردگان شورشی را به صلیب کشید.

بردگان روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ صاحبان برده های عهد جدید را خلع قدرت کردند. فیدل کاسترو با گرفتن الهام از انقلاب روسیه، علیه برده داری در آمریکای لاتین قیام کرد و توانست مردمان جزیره کوچک را از بردگی آزاد کند و در مقابل تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی برده داران آمریکای ثروتمند، مقاومت کند و ۵۰ سال در قدرت بماند، و از کوبای آزاد و مردمان غیرتمند آن حراست نماید.

اکنون فیدل کاسترو رهبر توانای کوبا بعزت کهولت و بیماری باز نشسته می شود. اداره امور مملکتی را به انقلابیون باقی مانده از نسل انقلاب و جوانان پرشور کوبا می سپارد. او یقین دارد راهی که در پیش گرفته است، باز گشت نا پذیر است.

راه توده ۱۶۸ ۲۰۰۸، ۰۲، ۲۵